



تحول در زندگی
از مجموعه مطالب جلسات هفتگی مطالعه کتاب مقدس

فهرست جلسات

هفته اول
محبت بجای خشم

هفته دوم
بخشش بجای رنجش

هفته سوم
اعتماد بجای نگرانی

هفته چهارم
عمل بجای قدردانی

'هدف شاگرد مسیح
این است که
با مسیح باشد،
مانند مسیح شود،
و
همانند او زندگی کند'



هفته اول محبت بجای خشم

هدف از این جلسه نحوه حل تعارض و اختلافات است، و همچنین هر آنچه را که بر اساس احساسات خود انجام می‌دهیم و چگونگی تاثیر آن بر پرستش را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

گفتگوی اولیه

به نوبت به سایر اعضای گروه در مورد برخی از حیوانات یا حشراتی بگویید که سبب ناراحتی شما می‌شوند یا آزار دهنده‌ترین چیزها در زندگی شما چیست که می‌خواهید آنها را به گور بفرستید تا دیگر دیده نشوند.

به عنوان مثال: صدای ناخن افرازی که آنرا روی چیزی می‌کشند، یا افرادی که بدون هیچ آهنگی و به صورت دلخراش سوت می‌زنند، یا فیلم‌هایی که صدای انسان را بر روی حیوانات واقعی می‌گزارند.

نکته برای مسئول جلسه: سعی کنید این قسمت سرگرم کننده و همراه با طنز باشد!

بازتاب

متی ۵: ۲۱-۲۴ را به صورت گروهی بخوانید.

روزی نیست که خبر یک قتل تبدیل به موضوعی برای گفتگو نشود. با این حال، برای پیروان مسیح، افکار و اعمال قلبی آنها در نقطه مرکزی امور قرار دارد و در پیروی آنها از مسیح از نقش اساسی برخوردار هستند. و رابطه ما با خدا بر اساس اینکه او کیست و چه کرده است و اینکه ما چه کاری انجام می‌دهیم، قرار دارد؛ و ما در اینجا می‌بینیم که عصبانیت راهی است که به قتل ختم می‌شود.

• با توجه به اینکه این بخش از تعالیم اصلی مسیح در موعظه بالای کوه انعکاس پیدا کرده است، به نظر شما چرا او می‌خواست در مورد این موضوع خاص صحبت کند؟

راههای زیادی برای «گشتن مردم» بدون ارتکاب به جرم وجود دارد. ما گاهی اوقات تصمیم می‌گیریم که دیگر با افرادی که دوست نداریم وارد گفتگو نشویم؛ از دوستی و ارتباط با افرادی که آنها را خسته کننده می‌دانیم خود داری می‌کنیم، و از نزدیک شدن به برخی از افراد اجتناب می‌کنیم چون رفت و آمد با آنها برای ما مشکل است.

• می‌توانید ربط این مسائل را با سخنان مسیح متوجه شوید؟ این تعالیم چگونه بر نگرش شما نسبت به ارتباط و رابطه با افراد تأثیر می‌گذارد؟

مسیح همچنین می‌گوید نحوه صحبت شما در مورد مردم نیز اهمیت دارد. احمق یا ابله یک کلمه تحقیر آمیز است. مسیح می‌گوید کسی را «احمق» یا ابله خواندن، شما را در خطر جهنم قرار می‌دهد. چرا این چیزها اینقدر جدی هستند؟

اولاً، ما باید سعی کنیم و مردم را همانطور که خدا درباره آنها فکر می‌کند و آنها را می‌بیند، در نظر بگیریم. در سراسر کتاب مقدس می‌توانیم نمونه های زیادی را ببینیم که خدا چقدر فرزندان خود را، علیرغم اعمال آنها دوست دارد (مزمور ۱۳۹ یک مثال عالی از این امر است). مهم نیست که چقدر مردم به ما آسیب می‌رسانند یا سبب رنجش ما می‌شوند و یا ما را مایوس می‌کنند، مسیح می‌تواند برای ما الگویی برای دوست داشتن آنها علیرغم اعمال آنها باشد.

دوم اینکه در دو فصل بعد (۷: ۵-۱)، مسیح به شاگردان خود می‌گوید که باید دیگران را به همان صورتی قضاوت کنیم که دوست داریم خود ما به همان صورت قضاوت شویم. روانشناسان می‌گویند که ما اغلب متوجه نقص افراد می‌شویم زیرا خود ما درگیر همان نقصها هستیم.

• در گروه های کوچک بحث کنید: نقاط کور شما کجاست؟ دیگران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ خودتان با چه نقصهایی در کشمکش هستید؟ در صورت تمایل می‌توانید در مورد آنها با گروه صحبت کرده و سبب بنای یکدیگر شوید.

قسمت پایانی شامل بخشی درباره پرستش و عبادت است. مسیح تا آنجا پیش می‌رود که می‌گوید اگر در کلیسا مسأله یا مشکلی بین اعضا وجود داشته باشد قبل از شروع و ادامه پرستش، باید این مسئله حل شود.

اگر به جای این که تظاهر کرده و همه چیز را خوب و درست در نظر بگیریم، موضوعاتی را که روابط دوستانه اعضا را تحت تاثیر قرار می‌دهد با محبت و نه بر اساس پیش داوری و قضاوت، مورد بررسی قرار دهیم؛ آنگاه کلیسای ما چگونه خواهد بود؟

• چگونه می‌توانیم دوستی خود در کلیسا را گسترده‌تر کرده و از این طریق به راه‌های سالمتری برای از بین بردن اختلافات بپردازیم؟ (بصورت گروهی با هم در این مورد بحث و گفتگو کنید).

کاربرد

ما در دنیایی ملامال از اختلافات و روابط ناسازگار زندگی می‌کنیم. روابط نزدیک ما معمولاً بطور دائم در حال آسیب و از هم پاشیده شدن قرار می‌گیرد که بررسی آن، خودش یک چالش دیگر است. ما احتمالاً مجبور نیستیم خیلی سخت فکر کنیم تا رابطه نزدیکی را که در حال حاضر مشغول آسیب دیدن است را به خاطر بیاوریم. پرداختن به آن یک چالش دیگر است. در اینجا به چند مرحله ساده برای حل اختلافات پرداخته شده است:

۱. از وسوسه چشم پوشی کردن مسئله کاملاً خودداری کنید. یکی از بزرگترین اشتباهاتی که می‌توانید انجام دهید این است که سر خود را زیر برف کنید. مواجهه مستقیم با این مشکل ممکن است شما را ناراحت کند، اما این اقدام درستی است. برای بحث در مورد مشکل و اختلافات اعلام آمادگی کنید.

۲. سعی کنید اختلاف را صرفاً از دید شخصی خود نگاه نکنید. سعی کنید با یک ذهن باز و کنجکاوی واقعی در مورد چگونگی نگاه طرف مقابل به مسائل، به اختلاف بپردازید. بر حل مسئله تمرکز کنید نه بر تغییر شخصیت طرف مقابل.

۳. به کارهایی که می‌توانید به شکل متفاوتی انجام دهید فکر کنید. اگر مایل به در نظر گرفتن تغییراتی هستید که می‌توانید برای بهبود اوضاع ایجاد کنید، احتمالاً طرف مقابل پاسخ مثبت خواهد داد.

۴. لازم نیست در مورد وقایع گذشته به طور کامل توافق کنید. تجدید نظر و باز بینی نسخه‌های وقایع گذشته می‌تواند بن بست باشد که مانع یافتن راه حل مناسب برای پیشرفت می‌شود. بر توافق جدید و برقراری ارتباط به شیوه‌هایی تمرکز کنید که باعث ایجاد اعتماد می‌شود.

۵. به صورت حضوری به مسائل بپردازید. ایمیل و سایر رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی جای مناسبی برای حل اختلافات نیست.

در مورد کدام یک از این ۵ مرحله به کمک نیاز دارید، بصورت گروهی در مورد آن بحث کنید؟ چگونه می‌توانیم برای آشتی و حل اختلافات قدم جلو بگذاریم؟

دستاورد

این جلسه ممکن است رنجشهایی را که در قلب شما نهفته شده است بیدار کند. زمان زیادی را به دعا کردن برای یکدیگر اختصاص دهید تا خداوند هر یک از ما را فراتر از درک ما از روح خود پُر کند و به ما اجازه دهد تا بارهای خود را بر دوش او بگذاریم.

همچنین برای اختلافات و روابط خصمانه‌ای که در جهان می‌بینیم دعا کنید: شرایط سیاسی فعلی ما، جنگ‌های داخلی، بی‌اعتمادی به مقامات و نهادها و موارد ظلم در جهان.

دعای نهایی برای صلح و آشتی:

ای خداوند تو همه ملل و همه مکانها و درون قلب هر شخص را از زمانی که در شکم مادر خود شکل می‌گیرد کاملاً می‌شناسی؛ ما با اطمینان به حضور تو آمده‌ایم که می‌توانی پشت درهای بسته و انگیزه‌های درونی هر شخص را ببینی. ما امروز برای همه افراد دارای موقعیت، قدرت و با نفوذ دعا می‌کنیم تا بتوانند صلح را در جایی که در حال حاضر وجود ندارد، برقرار کنند. ای پدر از تو می‌خواهیم در جایی که آنها قلبهای سنگی خود را سخت کرده‌اند، تو قلب آنها را دوباره چنان تبدیل کنی که نسبت به دیگران شفقت داشته و نسبت به اجرای اهداف و عدالت تو تمایل پیدا کنند. و ما بیشتر از همه برای ایمانداران و برای کسانی که امروزه حرفشان شنیده می‌شود دعا می‌کنیم؛ کسانی که قلبشان نرم شده، یا زمینه‌ای از نرمی در قلب آنها وجود دارد، یا کسانی که شروع به پرستش کرده و در نور حضور تو قدم گذاشته‌اند و می‌توانند برای حق و حقیقت صحبت کنند؛ باشد که سخنان آنها امروز شنیده شود؛ به آنها جسارت بده و از آنها برای نرم کردن قلب دیگران و ایجاد تغییرات استراتژیک و پایدار برای همه کسانی که در رنج هستند و می‌ترسند استفاده کن؛ کسانی که تنها پسر تو برای هر یک از آنها بر روی صلیب جان خود را تسلیم کرد.

هفته دوم بخشش بجای رنجش

در این جلسه قصد داریم تا نحوه تعامل با کسانی که ارتباط با آنها برایمان مشکل است را بررسی کرده و نحوه برخورد با رنجش و همچنین روش و شیوه خدمت به دیگران را مورد نظر قرار دهیم.

گفتگوی اولیه

بازی و سرگرمی: اگر تعداد افراد گروه زیاد است آنها را به تیم های مساوی تقسیم کنید در غیر اینصورت بصورت انفرادی شرکت کنید. به ترتیب، هر تیم یا هر نفر ۳۰ ثانیه فرصت دارد تا با کلمه «محبت» جمله بسازند. در صورتی که بتوانند از ضرب المثل یا شعر استفاده کنند، باید امتیاز اضافی داده شود.

نکته برای مسئول جلسه: سعی کنید این سرگرمی را بیش از حد رقابتی نگه دارید؛ شاید بهتر باشد از قبل برخی جملات را از قبیل شعر در نظر بگیرید تا با اشاره به آنها به این سرگرمی بیشتر جنب و جوش بدهید.

بازتاب

هدف از آن بازی برانگیختن برخی افکار درباره این بود که ما در فرهنگ خود با محبت چگونه روبرو می شویم: ما می توانیم از کتابها، فیلم ها یا برنامه های تلویزیونی که موضوع اصلی آنها عشق و محبت است نام ببریم و لیست های طولانی مشابهی ارائه دهیم. به نظر می رسد که جهان ما با عشق و محبت آشنا است، و با این حال تعلیم عیسی در قسمت امروز بسیار تحریک آمیز، چالش برانگیز و ضد فرهنگی است.

انجیل متی ۵: ۴۳-۴۸ را به صورت گروهی بخوانید.

مسیح در حال سخنرانی برای جمعیت وسیعی از مردم سراسر جلیل، اورشلیم و یهودیه است. هر گروهی از این جمعیت، سرخوردگی های خود را و همچنین سوء ظن های خود نسبت به یکدیگر را دارند؛ نزاع های شهرهای همسایه و اختلافات تاریخی آنها سبب شده بود تا آنها بخوبی بتوانند یکدیگر را از لهجه های خود تشخیص دهند (متی ۲۶: ۷۳ را ببینید). ما در کشور خودمان نیز می توانیم اختلاف بین دو شهر را بخوبی ببینیم.

• چه کسی را همسایه خود می بینید؟

• اصطلاح «همسایه» برای شما چه معنایی دارد؟

مسیح برای ایجاد اتحاد بین جمعیت، به یادآوری هویت جمعی آنها به عنوان قوم خدا، دستور مکتوبی از لایوان را ارائه می دهد، «همسایه خود را دوست بدار» (۱۹: ۱۸)؛ البته در بین فرهنگ این جمعیت یک مثال عام وجود داشت که همه آنها می دانستند، «از دشمن خود متنفر باشید». مسیح با تغییر کلی در این آموزه قدیمی، جمعیت را به چالش می کشد و به آنها می گوید که در واقع باید دشمن خود را دوست داشته باشند، حتی برای کسانی که از آنها بخاطر هر آنچه که هستند احساس تنفر دارند باید دعا کنند.

به همین سادگی، مسیح دشمن آنها را به سطح همسایه ارتقا داده بود. در مورد شخصی فکر و صحبت کنید که با او اختلاف نظر شدید دارید.

• چه چیزی در ارتباط با دوست داشتن و محبت کردن یک دشمن سخت است؟

• چرا دوست داشتن و محبت کردن به همه راحت نیست؟

عیسی تصدیق می کند که این دشمنان ممکن است شرور باشند. و بر اساس شرایط آنها، از جمعیت دعوت می کند تا نه تنها جلیلی ها و ساکنان یهودیه را که در کنار آنها ایستاده اند دوست داشته باشند، بلکه اشغالگران بت پرست روم را که یک نیروی مهاجم خارجی بودند و با حضور خود و اشغال سرزمین آنها، حاکمیت خدا را به چالش می کشیدند را نیز دوست داشته باشند. مسیح برای اینکه فرزندان خدا باشیم ما را دعوت می کند تا محبت خود را با همان سخاوت پدر آسمانی خود، که رزق او (خورشید و باران) همه مردم را در بر می گیرد، بر همه مردم گسترش دهیم.

• به نظر شما اگر محبت خود را به همه مردم بسط دهید چه اتفاقی می افتد؟

بنیاد اصلاحات سیاسی و تغییر دهنده نظام جهان در تعلیم عیسی در آیات ۴۶-۴۷ روشن می‌شود: اگر ما فقط کسانی را دوست داشته باشیم که ما را دوست دارند، هیچ کس واقعاً سود نمی‌برد. محبت کاملاً در یک فضای بسته محصور می‌شود و مانند یک ارز، مبادله شده و تأثیر آن کاملاً محدود می‌شود. اما محبت ابراز شده به شیوه پدر ما، محبتی است که همه آنرا احساس می‌کنند. پایدار می‌ماند، رشد می‌کند، و خارج از هر گونه حد و مرز است.

- چه زمانی محبت خود را ابراز نکرده و یا آن را فقط محدود به کسانی کرده‌اید که در عوض آن، شما را دوست داشته‌اند؟
- آخرین بار چه زمانی محبت خود را بدون فکر دریافت چیزی در ازای آن ابراز کرده‌اید؟ این عمل چه حسی داشت؟

کاربرد

اگر بخواهیم به آیات ۴۳-۴۷ از دید شخصی نگاه کنیم، در واقع تعلیمات عیسی را به چیزی کمتر از یک نگرش آرمان گرایانه و محبت آمیز نسبت به زندگی تقلیل می‌دهیم، درست مانند بسیاری از آن جمله‌هایی که در بازی آغاز جلسه بازگو کردیم: «یکدیگر را دوست داشته باشید و همه چیز درست و بهتر می‌شود». و یا اینکه، «ابتدا خودتان را دوست داشته باشید، و یاد خواهید گرفت که دیگران را نیز دوست داشته باشید.» تمامی اینها حقیقت است اما دعوت عیسی عمیق‌تر است. او از ما می‌خواهد که «کامل باشیم»، که در اعمال محبت آمیز و بخشش، قدمهای خود را درست جای پای قدمهای پدر آسمانی خود بگذاریم.

کامل بودن غیر ممکن است. اگر ما قصد داریم این کار را صرفاً و فقط بر اساس یک نگرش مثبت انجام دهیم، ظرف یک هفته به زندگی عادی خود بر می‌گردیم. اما این آموزه و کل موعظه بالای کوه فقط مربوط به ما نیست. این نشانی از مسیح است، از اینکه چگونه زندگی شخصی او بر اساس این ارزشها و آموزه‌ها توانست جهان را تحت تأثیر قرار داده و تغییر دهد. همانطور که رومیان او را به صلیب می‌کشیدند، او برای آنها دعا کرد، و محبت خدا را به آنها نشان داد. محبت خدا فقط برای یک قوم نیست، بلکه برای کل جهان است.

این فقط یک توصیه خوب نیست، یک خبر خوب و خوش است. ما فقط می‌توانیم در این محبت شرکت کرده و آن را به همه مردم، چه دشمنان و همسایگان تقدیم کنیم، همانطور که ما آن را از مسیح قیام کرده دریافت می‌کنیم، می‌توانیم آنرا به جهان نشان دهیم که محبت چیست، پدر ما چگونه است، زیرا او ابتدا ما را محبت کرده است. همانطور که از روح خدای زنده در زندگی خود استقبال می‌کنیم، با آن محبت کامل، نه تنها خود را بلکه دنیای اطراف خود را نیز تغییر شکل می‌دهیم.

زمانی را به تنهایی اختصاص دهید تا به واکنش خود به این تعلیم فکر کنید:

- چگونه می‌توانید محبت خدا را برای گسترش و بسط دادن آن به دیگران دریافت کنید؟
- در زندگی خود به چه کسی توجه می‌کنید؟ هم همسایه و هم دشمن؛ که باید محبت خود را به هر دو تقدیم کنیم؟
- عملی کردن این ابراز محبت چگونه خواهد بود؟ بخشش؟ رفتار و محبت با دیگران بیش از حد برابر و انتظار و به عنوان فرزندان عزیز خداوند؟ برای الهام گرفتن اول قرن‌تین ۱۳: ۴-۸ را بخوانید.

دست‌آورد

این جلسه ممکن است دردها و رنجشهای شما را دوباره زنده کند، روابطی را که نیاز به محبت دارند به ما نشان دهد و دیگرانی را به یاد آوریم که ما را دوست ندارند یا آنطور که می‌خواهیم ما را دوست داشته باشند.

وقت زیادی را برای دعا کردن برای یکدیگر اختصاص دهید تا بتوانیم محبت خدا را دریافت کنیم و با کاری که روح او در ما انجام می‌دهد درک کنیم که او از ما خشنود است. اینکه «خداوند ما را دوست دارد» در طول زندگی و قربانی شدن مسیح به نمایش گذاشته شده است. بیاییم همانطور که خدا ما را می‌بخشد، ما نیز دیگران را ببخشیم.

همچنین برای تفرقه‌ها و کینه‌هایی که در جهان مشاهده می‌کنیم دعا کنید: شرایط سیاسی فعلی ما، بی‌اعتمادی به اقتدار و نهادها و موارد تفرقه در جهان.

ممکن است بخواهید جلسه را با یک سرود پرستشی خاتمه دهید؛ سرودی را انتخاب کنید که ما را به فکر و بسوی محبت خدا می‌برد.

(محبت خدا بس عظیم است، چون نه‌ری جوشان و خروشان است، - می‌وزد چون نسیم بهاری می‌آورد امید الهی - گر نباشد این محبت، ما را نیست امید نجات - امید حیات است عیسی که بر صلیب شد بهر ما فدا - مسیح نخست ما را محبت کرد، خود را فدای گنهکاران کرد)

هفته سوم اعتماد بجای نگرانی

این هفته مطالعه کتاب مقدس ما بر اساس انتخاب اعتماد به جای نگرانی متمرکز است. ما انجیل متی ۶: ۲۵-۳۴ را بررسی می‌کنیم که در آن مسیح دستورالعمل دلگرم کننده و در عین حال چالش برانگیزی ارائه می‌دهد. سفر با مسیح به این معنا نیست که ما از سختی‌ها و مشکلات زندگی مصون هستیم، اما ما خوانده شده‌ایم تا اعتماد را بر نگرانی ترجیح دهیم.

گفتگوی اولیه

شاید برای این جلسه به قلم و کاغذ نیاز داشته باشید...

- از همه بخواهید فهرستی از تمام کارهایی که فکر می‌کنند فردا انجام می‌دهند از لحظه بیدار شدن تا خوابیدن تهیه کنند. از آنها بخواهید یک نقطه یا یک علامت بزرگ در کنار لحظاتی که نگران هستند، بگذارند. از آنها بخواهید دلیل نگرانی خود را بیان کنند.
 - از همه بخواهید تعداد پیام‌ها و ایمیل‌هایی را که دیروز دریافت کرده‌اند بشمارند و هر کدام یک از آنها را که نوعی اضطراب یا نگرانی ایجاد کرده است، علامت بزنند؟
- اگر همه احساس راحتی می‌کنند و مایل هستند، می‌توانند زمینه نگرانی‌هایی را که در این فهرستها علامت زده‌اند با الباقی گروه به اشتراک بگذارند.

بازتاب

در آیات امروز، عیسی توجه خود را بر مفهوم اعتماد به خدا معطوف می‌کند. این تعلیمی است که در تمامی دوران سبب تشویق و چالش ایمانداران است. صرف نظر از این که در چه نقطه‌ای از تاریخ این آموزه خوانده می‌شود، و با تمام پیچیدگی‌های تکنولوژیکی، اجتماعی یا سیاسی امروز، باز هم بشریت همیشه فرصت‌هایی برای نگرانی پیدا خواهد کرد. احساسات بشری در تمامی تاریخ با نگرانی آشنا بوده است. «گفتگوی اولیه»، نگرانی‌های منحصر به فرد هر یک از ما و روشهایی که ما به دنبال کنترل جنبه‌های مختلف جهان پیرامون خود هستیم را بخوبی نشان می‌دهد.

یک نکته مهم در زمینه این آموزه و کل موعظه بالای کوه این است که توجه داشته باشید که عیسی مردم را دعوت کرده است تا از او به شیوه استاد و شاگردی که در بین یهودیان مرسوم بود پیروی کنند (متی ۴: ۱۸).

برای شاگرد شدن نزد یک استاد شریعت در قرن اول آن دوران، شخص باید اول پیش یک استاد، برای یک مدت زمان طولانی از آموزش، یادگیری، نظم و چالش ثبت نام می‌کرد. این یک دعوت برای یک کنفرانس یک روزه نبود بلکه یک دعوت برای ارائه بالقوه کل زندگی شخص بود، یا حداقل تا زمانی که خودش استاد می‌شد. یک استاد شریعت انتظار نداشت که یک شاگرد همه آنچه را که به او آموخته است فوراً بیاموزد. این سفری بود که آنها در آن قدم می‌گذاشتند، به تعلیماتی که به آنها آموزش داده می‌شد گوش می‌دادند و علاوه بر آن در هر شرایطی، قدم بر جای پای استاد خود می‌گذاشتند که شامل مجموعه‌ای از یادگیری، شاهد بودن، و تمرین بود. این گونه عیسی شاگردان خود را آموزش و تعلیم می‌داد، و این همان زندگی استاد و شاگردی است که ما به آن فرا خوانده شده‌ایم.

اگر امروز هنوز به جای اعتماد به خداوند، نگران هستید، خودتان را ناراحت نکنید، در طول زمان یاد خواهید گرفت که چگونه این آیات را در زندگی خود به عمل تبدیل کنید، این یک سفر است!

انجیل متی ۶: ۲۵-۳۴ را بخوانید.

هنگامی که آن را با هم خواندید، دوباره آن را با تمرکز بر هر یک از این سوالات بخوانید:

- این آیات درباره ماهیت و طبیعت خدا چه چیزی را به ما نشان می‌دهد؟

- این قسمت در مورد مردم در هر زمینه و در هر زمان، چه چیزی را آشکار می‌کند؟
- واکنش اولیه شما نسبت به این آیات چیست؟ آیا تشویق کننده هستند یا شما را به چالش کشیده اند؟

کاربرد

مسیح در آیات ۳۲-۳۴ پاسخی جایگزین را برای نگرانی ارائه می‌دهد: «... اما اوّل ملکوت خدا و عدالت او را بطلبید.» مسیح از ما می‌خواهد انتخاب کنیم که اولین واکنش ما نسبت به نگرانی چیست - اول و نه دوم، نه بعد از اینکه ما در مورد آنچه ممکن است اتفاق بیفتد یا خطرات ناشناخته آن فکر کردیم. اگر ما در همه چیز خدا و پادشاهی خدا را در اولویت قرار دهیم، حتی در جزئیات غذایی که می‌خوریم یا لباسی که می‌پوشیم، خداوند تمام نیازهای ما را برآورده می‌کند.

در مورد سوالات زیر با هم گفتگو و بحث کنید:

- با نگاهی دوباره به فهرستهایی که در تمرین گفتگوی اولیه نوشتید، در هر یک از این نگرانیها، و در هر یک از لحظات آن، اول ملکوت خدا و عدالت او را بطلبید چگونه خواهد بود؟
- مسیح خاطر نشان می‌کند که «هر روز به اندازه کافی مشکل خود را دارد» (آیه ۳۴). مسیح نمی‌گوید که زندگی پس از پیروی او، آسان می‌شود؛ در واقع، او وعده می‌دهد که ما برای پیروی از او با مخالفت و دشمنی نیز روبرو خواهیم شد (متی ۲۴: ۹). این امر چگونه واکنش شما به نگرانی را تغییر می‌دهد؟
- در نتیجه آنچه که در این آیات خوانده‌اید یک زندگی متفاوت چگونه خواهد بود؟ شما چگونه آن را انجام خواهید داد؟

دست‌آورد

هر یک از اعضای گروه برای لحظاتی وقت خود را بر این فرمان مسیح متمرکز کند: «ابتدا پادشاهی و عدالت او را بطلبید.»

بد نیست در این هنگام از یک موزیک پرستشی بدون کلام استفاده شود.

به نوبت از همه بخواهید که متی ۶: ۳۳-۳۴ را جداگانه بخوانند و بین هر نفر حداقل یک دقیقه فاصله بگذارید.

در این فضای سکوت، از افراد بخواهید که به روح خدا گوش دهند. برای هر یک از ما ابتدا پادشاهی و عدالت خود را بطلبید؟ به نظر چگونه می‌رسد؟

بعد از اینکه همه نظر خود را گفتند، برای هر آن چیزی که روح خدا گروه را به آن سوق داده است دعا کنید، یا به سادگی دعا کنید تا عادت نگرانی از بین برود و به اشتیاق جدید برای طلبیدن خدا در همه چیز تبدیل شود. جلسه را با دعای پایانی به اتمام برسانید.

مسیح سخنان خود را با مثلی که اهمیت اطاعت را نشان می‌دهد به پایان رسانید. مهمترین چیز در ساختمان یک خانه چیست؟ ظاهر خانه هر چقدر عالی باشد، اگر زیربنای محکمی نداشته باشد، بیهوده بنا شده است. انسانها نیز در زندگی خود نیازمند زیربنای محکم هستند، و تنها یک زیربنای مطمئن وجود دارد: عیسی مسیح.

هفته چهارم عمل کردن بجای قدردانی

گفتگوی اولیه

جلسه را با یک بازی ساختمان سازی سرگرم کننده شروع کنید.

به هر یک از اعضای تیم مقداری خمیر مجسمه سازی و مقدار مشخصی رشته‌های اسپاگتی نپخته یا مقداری لوگو بدهید. برنده شخصی است که بتواند بلندترین برج مستقل را از لوازم ارائه شده در زمان معین بسازد.

آیا طرح برج برنده از پایه محکمتری نسبت به بقیه برخوردار است؟

چنانچه چنین امکانی نیست از افراد بخواهید در مورد ساختن یک برج مستحکم گفتگو کنند.

بازتاب

متی ۷: ۲۴-۲۷ را به صورت گروهی بخوانید.

برای برخی، ممکن است این آیات بیشتر از صدها بار شنیده شده و بسیار آشنا به نظر برسد. با این حال، بسیار مهم است که ما اجازه ندهیم این آشنایی سبب شود تا زمینه اصلی داستان به فراموشی سپرده شود.

این نتیجه و چکیده موعظه مشهور مسیح بر بالای کوه است. "این سخنان مرا" که ما تشویق می‌شویم تا "به آنها عمل کنیم" از آخرین کلمات این موعظه هستند. بنابراین بسیار مفید است که در این جلسه، این تعالیم اساسی عیسی در متی فصل ۵ تا ۷ را بصورت خلاصه بررسی کنیم، که برخی از این تعالیم را در هفته‌های گذشته مطالعه کرده‌ایم.

موعظه بالای کوه را می‌توان به چهار موضوع اصلی تقسیم کرد:

۱. نگرشها و اولویتهای پادشاهی خداوند ۵: ۱-۱۸

۲. شیوه رفتاری - روابط با یکدیگر ۵: ۱۹-۴۸

۳. شیوه رفتاری - رابطه با خدا ۶: ۱-۳۴

۴. حکمت و تشخیص پادشاهی ۷: ۱-۲۳

خواه به عنوان یک گروه بزرگ همه با هم، یا در گروه‌های جداگانه‌ای که هر کدام موضوعی را بررسی می‌کنند، این سه فصل را بررسی کنید و ببینید چند بار مسیح فرمان یا دستور العمل مستقیم می‌دهد. ممکن است گروه شما به اندازه کافی با اراده و کوشا باشد تا بتواند یک عدد دقیق را بدست آورد، اما هدف اصلی این تمرین این است که تصدیق کنیم که این تعداد بسیار زیاد است. موعظه بالای کوه فقط مجموعه‌ای آموزنده از تعالیم اخلاقی یا مجموعه‌ای از افکار حکیمانه نیست، بلکه شامل تعلیماتی است که انتظار می‌رود "در عمل" اجرا شود.

می‌توان به انجیل متی فصل ۵ تا ۷ به عنوان فراخوانی برای یک شیوه کاملاً جدید زندگی با خدا و با یکدیگر نگاه کرد، ضرب المثلی را که عیسی موعظه خود را با آن خاتمه می‌دهد اهمیت تمامی دستورات این موعظه را نشان می‌دهد: اگر تمام دستوراتی را که در این آیات پایانی داده است نادیده بگیریم، یک زندگی بدون زیر بنای محکم خواهیم داشت که با کوچکترین حرکت آب و هوای زندگی فرو خواهد ریخت و چیزی از آن باقی نخواهد ماند.

بحث گروهی:

• واکنش اولیه ما به این مثل چیست؟ چه احساسی به ما دست می‌دهد؟

- با تمامی این اوصاف، آیا راههای دیگری وجود دارد که بتوان موعظه بالای کوه را خلاصه کرد؟

کاربرد

موعظه بالای کوه از فراز و نشیب عمیقی برخوردار است. از یک سو، عیسی به طور چشمگیری پرچم عدالت را بالا می‌برد. شهوت و خشم برابر است با قتل و زنا با زن شوهردار، که به وضوح نیاز ما به فیض خداوند را یاد آوری می‌کند. از سوی دیگر، دستورالعمل‌های صریحی در مورد نحوه زندگی به ما داده شده است که در آنها اطاعت شرط اول است.

یکی از الهیات دانان مسیحی این تنش را کاملاً توضیح می‌دهد:

از نظر انسانی، درک موعظه بالای کوه به هزار روش مختلف امکان پذیر است.

اما عیسی تنها یک احتمال را بیان می‌کند: تسلیم و اطاعت؛ نه تفسیر یا به کار بستن آن، بلکه انجام و اطاعت از آن. این تنها راه شنیدن سخنان مسیح است. منظور او این نیست که ما درباره آن به عنوان یک فرایند ایده‌آل در زندگی بحث کنیم. منظور مسیح واقعاً به معنای این است که آنرا به کار ببندیم.

محور موعظه، همانطور که در این مَثَل پایانی برجسته شده است، این است که گوش دادن ساده پاسخ نیست، بلکه کلمات باید شنیده شوند و در عمل به کار گرفته شوند.

خود را با پاسخ سوالات زیر به چالش بکشید:

ما به دستورات موعظه بالای کوه چگونه عمل می‌کنیم:

- در تمامی اوقات زندگی روزمره ما؟

- از نظر معنوی؟

ما تا چه حد با زیربنای نامناسب زندگی می‌کنیم؟

- آیا ایمان و رابطه خود با خدا را به راحتی در طوفان های زندگی از دست می‌دهیم؟

- شنیدن و عمل کردن به کدام قسمت از موعظه بالای کوه برای ما سخت تر است؟ واقعیت این است که اغلب این قسمت‌ها، مناطقی هستند که ما بیشترین حق را در آنها احساس می‌کنیم.

دستاورد

زیبایی موعظه بالای کوه این است که تنها یک انسان وجود دارد که همیشه و همواره به طور مداوم چنین زندگی کرده است. همانطور که یکی از استادان الهیات توضیح می‌دهد:

در حالی که داستان انجیل به پایان چشمگیر خود می‌رسد، همان پیام موعظه در کوه را می‌توان در زندگی عیسی به روشنی دید: او نور و نمک جهان است، او دشمنان خود را دوست دارد و جان خود را برای آنها می‌دهد، و در نهایت او را روی تپه‌ای بر بالای صلیب بلند می‌کنند تا جهان بتواند او را ببیند.

این مَثَل ما را به بررسی بیشتر خودمان و همچنین واکنش ما نسبت به آن دعوت می‌کند؛ اما نباید احساس گناه، شرم و یا احساس شکست برای ما به همراه داشته باشد. این یک دعوت حیرت آور و شاید تا حدودی ترسناک باشد اما پُر فیض خداوند نسبت به ماست، و در ما میل با انگیزه شادی و نه احساس گناه، برای زندگی در اطاعت ایجاد می‌کند.

وقتی را در هنگام اتمام جلسه به دعا اختصاص دهید. گروه را تشویق کنید تا آنچه را که خدا در زندگی آنها انجام داده است به خاطر بیاورند تا خود را بهتر بتوانند در فضای سپاسگزاری و قدردانی از خداوند قرار دهند. شاید مناسب باشد که از افراد دعوت شود تا قدردانی و سپاس خود را از خداوند بیان کنند. پس از آن، در حالی که هنوز در حال پرستش و شکرگزاری هستید، برای یکدیگر دعا کنید و از خداوند بخواهید که ما را دوباره از روح خود پُر کند، تا بتوانیم در اطاعت از او زندگی کنیم، تا بتوانیم مانند شخصی باشیم که خانه خود را بر روی صخره بنا می‌کند.